روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۱۵ دی ۱۳۹۷ • ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۵ ژانویه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۳۴ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۷:۲۵ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

استعفای سه‌سوته

• **پوریا عالمی:** به بابای سوفیا می‌گویم: جریان استعفای وزیر بهداشت چی بود و چرا رئیس‌جمهور حسن روحانی سه‌سوته با استعفای قاضی‌زاده‌هاشمی موافقت کرد؟ بابای سوفیا می‌گوید: خب وزیر بهداشت خیلی ناکارآمد بود دیگر. خوب شد استعفا داد وگرنه باید اخراج یا استیضاحش می‌کردند!

می‌گویم: ولی وزیر بهداشت هر ایرادی که داشت و هر نقدی که به عملکردش داشتیم، آن‌طور که خودش می‌گوید، توی این نظام سلامت خیلی تلاش کرد که توزیع خدمات بهداشت و درمان اصلاح شود. تلاشش را هم کرد که مافیای دارو را مهار کند. بابای سوفیا می‌گوید: ببین میدون دوم! تو آدم بی‌شعوری هستی و عقلت به چشمت است.

می‌گویم: پس عقلم باید به کجام باشد؟ بعد اضافه می‌کنم: چرا وزیر در یک سخنرانی گفته که از قماش اینها نیست و از اول هم اشتباه آمده بوده؟ بابای سوفیا می‌گوید: قاضی‌زاده‌هاشمی از سال ۹۲ وزیر دولت روحانی بوده، بعد از شش سال فهمیده آبشان توی یک جوب نمی‌رود؟ دو سال هم صبر می‌کرد، با کل دولت، کلا می‌رفتند. چرا رفیق نیمه‌راه شد؟ هان؟

می‌گویم: مسئله‌اش با نوبخت بوده گویا.

بابای سوفیا می‌گوید: واااای. وزرای این دوره و زمانه چقدر تیتیش‌مامانی شده‌اند و زود بهشان برمی‌خورد. زمان دکتر دانشمند محمود احمدی‌نژاد، وزرا با استاد رحیم‌مشایی مشکل پیدا می‌کردند، حالا با نوبخت. خیلی سوسول شده‌اند وزرا. اینها اگر جای نوبخت، با رحیم‌مشایی طرف می‌شدند لابد زارزار گریه می‌کردند.

می‌گویم: ولی خود جهانگیری هم با دولت مشکل پیدا کرده‌ها. بابای سوفیا می‌گوید: همان اتفاق‌ها که توی دولت دکتر دانشمند احمدی‌نژاد افتاد، انگار دارد توی این دولت هم می‌افتد. طفلک محمود که کسی درکش نکرد. بمیرم برای دکتر روحانی. نه مردم قدرش را می‌دانند، نه وزیرهاش.

می‌گویم: ولی خود ایشون یکهو چرخید به سمت... بابای سوفیا قندان را پرت می‌کند سمت من و داد می‌زند: همین مانده بود تو هم تحلیلگر سیاسی بشوی. بی‌شعور. صددفعه گفتم هر شب ۲۰:۳۰ نگاه کن، هرچی به‌عنوان تحلیل وضعیت گفت حفظ کن و مثل طوطی همان‌ها را ارائه کن که هم من از تو راضی باشم و قبول کنم که با سوفیا ازدواج کنی، هم بتوانی شغل مناسب پیدا کنی و ارتقا پیدا کنی.

می‌گویم: خیلی قندان منطقی‌ای پرت کردید. واقعا متقاعد شدم.

کارتون خواب

آنجل بولیگان

یادداشت

دور از شأن دانشگاه است که دور خود حصار بکشد

بهروز غریب‌پور

محل عرض‌اندام چهره‌های مشهور یا پرده سینماست یا صفحه تلویزیون و علت اینکه مخاطبان عام این افراد را می‌شناسند این است که چهره آنها از سوی تماشاگر شناسایی شده است و هرچه تعدد نمایش آثارشان بیشتر باشد، این چهره‌ها بیشتر معرفی می‌شوند. اگر بزرگانی مثل استاد شفیعی‌کدکنی یا استاد کزازی حتی توسط حراست دانشگاه شناسایی نمی‌شوند، علت این است که این بزرگان در مجامعی شرکت نمی‌کنند که حتما چهره آنها شناخته شود. بنابراین با وجود همه ارزش‌هایی که من بشخصه برای این افراد قائلم و جامعه نیز باید قائل باشد، تفاوت بین آنکه چهره است و آنکه چهره نیست، طبیعی است و انتظار بی‌ربطی است که هر کسی استاد محمدعلی موحد یا استاد سایه را بشناسد. درحالی‌که وقتی خواننده‌ای مثل تتلو و امثال او به‌کرات دیده می‌شوند، طبیعی است که مردم عادی این چهره‌ها را بیشتر می‌شناسند، اما اگر خبری که چند روز پیش درباره شناخته‌نشدن استاد شفیعی‌کدکنی و راه‌نیافتن به کلاس درس منتشر شد، مرتبط با سوپرمارکت یا بازار بود، جای تأسف نداشت. متأسفانه این موضوع مربوط به دانشگاه است. دانشگاه نباید فضایی باشد که چهره‌های دانشگاهی ناشناخته باشند. علت به‌کارگماردن حراست این است که استاد دانشگاه و دانشجو را تشخیص بدهد و جای دریغ و تأسف است در جایی که باید چهره‌های دانشگاهی شناخته شوند، حراست دانشگاه آنها را نشناسد.

نکته دیگری در مورد حراست و نگهبانی دانشگاه وجود دارد. من دانشگاه‌هایی را تجربه کرده‌ام که در آنها بگیروببند و تشخیص حراست و مانند آنها اصلا وجود ندارد. دانشگاه رم به‌گونه‌ای است که بعضی از خودروها از درونش رد می‌شوند. مطلقا به این شکل نیست که وقتی وارد دانشگاه می‌شوید تمام پرونده فرهنگی و سیاسی شما را بررسی کنند تا متوجه شوند که شما که هستید. من این را در دانشگاه‌های مختلفی در سراسر دنیا دیده‌ام؛ مکان‌هایی مانند دانشگاه بروکلین یا یوسی‌ال‌ای که حتی وقتی وارد ساختمان دانشگاه می‌شوید از شما پرس‌وجو نمی‌کنند. تشخیصشان این است که شما یا دانشجو هستید یا با یک استاد کاری دارید یا یک بازدیدکننده هستید که به مکانی فرهنگی وارد شده‌اید. چه‌بسا فردی عادی؛ مثلا یک دانش‌آموز وارد دانشگاه شود و آرزو کند که مراتب تحصیلی را برای رسیدن به آن نقطه ادامه دهد. بنابراین قواعدی وضع شده که غلط است. به نظر من این‌همه ایجاد محدودیت ورود برای مکان‌های فرهنگی جز اینکه بخواهند عده‌ای را برای این کار استخدام کنند، کاربرد دیگری ندارد. دور از شأن دانشگاه و مکان فرهنگی است که دور خود حصار بکشد و نگذارد آدم‌ها وارد آن شوند.

گفت‌وگو

عباس عبدی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران:

مرجعیت رسانه‌های رسمی از بین رفته است

حدود یک سال از شکل‌گیری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران می‌گذرد. در آستانه افتتاحیه رسمی دفتر انجمن و مجمع عمومی آن هستیم، در این مدت انجمن چند برنامه برای روزنامه‌نگاران گذاشته، کارگاه‌هایی برگزار شده و مکانی برای انجمن تهیه شده که امید است به عنوان خانه روزنامه‌نگاران شناخته شود. با عباس عبدی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، درباره وضعیت روزنامه‌نگاری و بحران‌های صنفی آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

اهداف و برنامه‌های انجمن در این مدت چه بود؟ چقدر به آنچه مدنظر بوده است، رسیده‌اید؟

برای پاسخ به این سؤال باید به وضعیت کلی فضای مطبوعات در سال ۹۶ بپردازیم و عملکردمان را در این یک سال گذشته در پرتو آن ارزیابی کنیم. بنده در سال ۷۶ عضو اولین هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران بودم، الان هم برای هیئت‌مدیره انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران انتخاب شده‌ام. اما این دو مقطع به‌کلی با هم متفاوت است. ما در سال ۷۶ با دو وضعیت مناسب روبه‌رو بودیم؛ یکی اوج‌گیری یا در واقع تیک‌آف مطبوعات که بعد از انتخاب آقای خاتمی آغاز شده بود و این نه‌فقط به لحاظ مخاطب و اثرگذاری، بلکه از نظر اقتصادی هم تحول مثبتی در مطبوعات رخ داده بود. در کنارش امید به آینده و بهبود شرایط هم مشهود بود. همچنین یک نوع ثبات نسبی را نیز در اقتصاد شاهد بودیم و امید چشمگیری در جامعه بود که بازتاب آن به شکل گسترده‌تری در روی‌آوری به مطبوعات و نشاط آن دیده می‌شد. در آن شرایط انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران هم تأسیس شد و در مدت کوتاهی چند هزار نفر عضو آن شدند. دوره بهار مطبوعات را همه یادشان هست؛ از ۷۷ شروع می‌شود تا ۷۹ ؛ دو سال که شاهد حضور مطبوعات بسیار قدرتمند در جامعه بودیم. اما در سال ۹۶، ۲۰ سال بعد که انجمن فعلی به دلیل توقف انجمن ایران شکل گرفته است، ما با وضعیت کاملا متفاوتی روبه‌رو هستیم؛ اول اینکه مطبوعات رو به افول هستند از دو جهت هم از جهت محدودیت‌هایی که در سال‌های گذشته وجود داشته و هم به لحاظ جایگزینی در مصرف مطبوعات که از سوی رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی رخ داده است، دیگر گرایش چندانی برای مطبوعات وجود ندارد.

جهت سوم تضعیف بنیان اقتصادی مطبوعات است که سبب شد انگیزه نیروها کم شود، کیفیت مطالب و عملکردشان کاهش یابد و برخی از نیروهای حرفه‌ای این حوزه را ترک کردند، این وضعیتی است که در سال ۹۶ با آن مواجه بودیم. اما اتفاق مهم دیگری نیز رخ داده است؛ چشم‌انداز ناامیدکننده‌ای که پیش‌روی مطبوعات در هنگام تشکیل انجمن وجود داشت. این چشم‌انداز ناامیدکننده در کل جامعه است و برای آینده کشور. اما در مطبوعات با شدت بیشتری به چشم می‌آید. از طرفی دیگر، فشارهایی که به رسانه‌ها و مطبوعات وارد می‌شود اگر بیشتر از سال ۷۶ نباشد، کمتر نیست. بعد از حوادث ۸۸ و توقف انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، حساسیت‌ها هنوز بود و آغاز کار سخت بود، به همین دلیل یک بار انتخابات انجمن برگزار شد، بعد دوباره برگزار شد. این مشکلات هست؛ مشکلاتی که ما سعی داریم حلش کنیم. این یک سال به این شکل گذشت که سه، چهار ماه طول کشید مکانی پیدا کنیم، قبلش این طرف و آن طرف جلسه

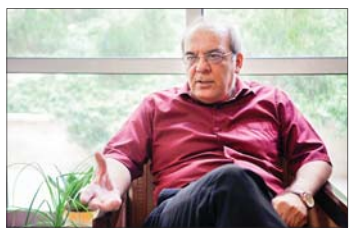

می‌گذاشتیم، سعی کردیم به عضوگیری‌ها نظم دهیم، پرونده‌ها را تکمیل کنیم، یکی، دو تا کارگاه گذاشتیم که به نسبت قابل‌توجه بود، در واقع کارفرما نیز از آن استقبال کرد، کوشش کردیم ساختمان خوبی را محل استقرار تعیین کنیم که روزنامه‌نگاران خانه‌ای داشته باشند. برخی کمک‌های درمانی و بهداشتی را برای روزنامه‌نگاران پیگیر بودیم. از طرفی مشکلات فردی یا دسته‌جمعی روزنامه‌نگاران را آن‌طور که در توانمان بوده، حل کردیم. عموما مسائلشان حل می‌شد نه لزوما آن‌طور که یک طرف ماجرا می‌خواست، بیشتر از آنکه از طریق قانونی باشد، از طریق گفت‌وگو و پادرمیانی انجام شد.

می‌توانید برآوردی از اصلی‌ترین و روزمره‌ترین مشکلات روزنامه‌نگاران ارائه دهید؟

با بررسی‌هایی که انجام دادیم، می‌توان گفت روزنامه‌نگاران سه مشکل اساسی و برخی مشکلات فرعی دیگر هم دارند.

اول، بحرانی که روزنامه‌نگاری با وجود فضای مجازی با آن روبه‌رو شده است. فضای مجازی دروپیکر ندارد، کپی‌رایت رعایت نمی‌شود، همچنین نداشتن رسانه‌ای که مرجعیت داخلی داشته باشد، فشارهای سلیقه‌ای هم که به مطبوعات وارد می‌شود، پس علاقه‌مندان چندانی برای فعالیت در این فضا وجود ندارد و در نتیجه تیراژ و اثرگذاری پایین آمده است، درآمد کم می‌شود، حقوق پرسنل کم می‌شود، تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران ممکن است عطای روزنامه‌نگاری را به لقایش ببخشند، برخی دو و چندشغله هستند و با این وضعیت و کاهش کیفیت نمی‌توان امیدوار بود روزنامه‌نگاری جایگاهی جدی پیدا کند.

دوم، سیاست رسمی نسبت به رسانه تغییری با گذشته نکرده است. اگر بدتر نشده، بهتر هم نشده است.

سوم، وضعیت اقتصادی مملکت است که روزنامه‌ها را به عنوان یک بنگاه با مشکل جدی اقتصادی روبه‌رو کرده است. بحران کاغذ، بحران دستمزد، بحران آگهی‌ها، افزایش هزینه‌های جاری و... . در نتیجه با فرایند تشدیدکننده بحران در اقتصاد روزنامه‌نگاری روبه‌رو هستیم که سبب تأخیر در پرداخت دستمزدها، کاهش دستمزدها و... شده‌ایم که در نهایت روزنامه‌ها شیوه‌هایی نظیر کپی، پیست و... را انتخاب می‌کنند که اعتبار روزنامه‌نگاری را مخدوش می‌کند.

برای مشکلات راه‌حل‌های سریع پیدا می‌شود؟

راه‌حل سریعی نمی‌تواند داشته باشد اما به این معنا نیست که مشکلات یا حل می‌شود یا حل نمی‌شود. بلکه در کوتاه‌مدت باید دنبال مفری برای تخفیف مسائل باشیم. باید توجه‌ها را به یک نکته مهم جلب کنیم که مرجعیت رسانه‌های رسمی به‌کلی زایل شده و برای ثبات کشور خطرناک است. امیدواریم گفت‌وگوهایی را آغاز کنیم شاید در همین جلسه‌ای که به مناسبت افتتاح رسمی دفتر انجمن و یک‌سالگی آن است، بتوانیم به نتایج خوبی برسیم.

انجمن اقداماتی هم برای رفع مشکلات روزنامه‌ها انجام داده است؟ البته در این مدت بارها بیانیه‌ها و نشست‌هایی برای رفع مشکلاتی نظیر عدم رعایت حقوق صنفی، اخراج و استیفای حقوق اعضا انجام شده است، اما آیا اقداماتی نهادینه‌تر نیز انجام شده است یا می‌تواند بشود؟

همان‌طور که عرض کردم، انجمن‌های صنفی با دادگاه‌ها و ادارات فرق دارند. انجمن‌های صنفی چیزی جز مشارکت اعضای صنفشان نیستند. بازتابی از اراده و حضور و مشارکت اعضای صنف هستند. در همین یک سال گذشته اکثر کسانی که شکایت خود را به انجمن داده‌اند، عضو انجمن نبوده‌اند. یکی باید از این دوستان بپرسد چطور در این حوزه فعالید و عضو انجمنش نیستید ولی وقتی دچار مشکل می‌شوید از آن کمک می‌طلبید؟ انجمن صنفی که اداره دولتی نیست، اینجا خود شما هستید. انجمن جایگاهی غیر از اعضایش و صنف ندارد. با اداره برق فرق دارد. اما انجمن خدماتی ندارد ارائه دهد مگر اینکه خود اعضا در آن حضور داشته باشند. اگر خود اعضا انگیزه داشته باشند و بیایند، خیلی کارها می‌توان کرد، البته هیئت‌مدیره هم سعی می‌کند زمینه‌های شکل‌گیری این انگیزه‌ها را فراهم کند همچنین هنگامی که اعضا آمدند؛ هیئت‌مدیره باید این انگیزه‌ها را تجمیع کند و به آن جهت دهد. امیدواریم که این اتفاق بیفتد.

به نظرتان مشکلات معیشتی چه تأثیری بر عملکرد روزنامه‌نگاران از منظر حرفه‌ای دارد؟

امر واضحی است، مگر می‌شود با این حقوق‌ها زندگی کرد، یا باید دوشغله باشند یا زن‌وشوهر باشند و سه، چهارشغله باشند و یک حداقلی را تأمین کنند اما روزنامه‌ها هم با دلایلی که اکنون مجال طرحش نیست، با بحران روبه‌رو شده‌اند؛ دلایلی که بخشی از آنها برگرفته از شرایط جامعه است. بخشی از مشکلات روزنامه‌ها بحران‌های مدیریتی است که قابل‌حل است و امیدوارم کمیته‌ای با همراهی وزارت رفاه، وزارت ارشاد و نماینده‌ای از انجمن صنفی تشکیل شود تا وضعیت مطبوعات را بهبود بخشند. باید این وضع را خطری جدی برای جامعه در نظر بگیرند.

حتما شما هم آینده روزنامه‌نگاری را حداقل در چند ماه آینده، بحرانی می‌دانید. فکر می‌کنید دولت تدارکاتی برای این قضیه در نظر می‌گیرد؟ یا اصلا باید دولت در این زمینه دخالت کند یا خیر؟ خود روزنامه‌نگاران باید چه راهی را پیدا کنند؟

من البته در مقامی نیستم که اطلاعی داشته باشم فقط می‌توانم ابراز امیدواری کنم که اقدامی کنند. اما در مقام هیئت‌مدیره انجمن صنفی و با همکاری بقیه دوستان و اعضای صنف و با کمک هیئت‌مدیره انجمن مدیران مسئول، باید دولت را ترغیب کنیم که اقدامی کند. ما هم امیدواریم بتوانیم جلساتی با وزارت کار و وزارت ارشاد و مدیران مسئول بگذاریم، هم مشکلات را منعکس کنیم و هم به رفع این مشکلات کمک کنیم. ناامید نیستیم وظیفه ما این است که براساس امید رفتار کنیم خود روزنامه‌نگاران هم باید مسائل صنفشان را به‌صراحت بیان کنند؛ البته با احتیاط و دقت که منجر به نتیجه هم بشود. در واقع می‌توان پیش‌بینی کرد فعالیت‌های سال آینده انجمن را به دو موضوع اختصاص دهیم: نخست، توسعه انجمن از طریق مشارکت فعال اعضا و دیگری تشکیل نشست‌ها و کارگاه‌های مهم درباره مشکلات حوزه رسانه و مطبوعات است. این دو را باید در دستور کارمان قرار دهیم. دوستان و هم‌صنفان می‌توانند پیشنهاد دهند و کمک کنند.

پرنده آبی

سلطان‌گیران

انتشار اخباری درباره دستگیری سلطان‌های مختلف از سلطان قیر تا سلطان کاغذ و بعدهم پیدانشدن دلیل بوی بد تهران سبب شده است که کاربران شبکه‌های اجتماعی به این نام‌گذاری‌ها واکنش نشان دهند و به شوخی بپردازند. برخی این سؤال را پرسیدند که «این‌همه #سلطان رو چه‌جوری ساختند؟!» که عده‌ای دیگر توضیح دادند پس از دلار چهارهزارو ۲۰۰ تومانی این اتفاق رخ داد. برخی استفاده از این واژه را مقدمه اعدام دانسته‌اند. دیگری گفته است یعنی به‌ازای هر جنسی که در خانه داریم می‌توان یک سلطان در مملکت داشت؟ البته بخش زیادی از بداهه‌ها درباره نگرانی از افزایش سلطان‌های احتمالی دیگر است. برخی دیگر نیز دستگیری برخی سلطان‌های دیگر را پیش‌بینی کرده‌اند: در این وانفسای سلطان‌گیران فقط نگران #علی_پروین هستم! البته اگر یک روزی عرب‌نیا را گرفتند تعجب نکنید، او در فیلم سلطان کیمیایی نقش سلطان را بازی می‌کرد و با ناصر بلبل جیب‌بری می‌کرد. البته در نهایت این سؤال مطرح است دیگه #سلطان نبود؟ و سؤالی که به نظر می‌رسد باید جوابی دقیق برای آن به افکار عمومی داده شود این است که دارایی این #سلطان‌هایی که دستگیر و متعاقبا اعدام می‌شوند آیا به خزانه ریخته می‌شود؟ چراکه بعد از اعدام سلطان قیر مشخص شد او چندین ماشین و چند آپارتمان دارد.